

بررسی محتوایی مرثیه‌های عاشورایی حیدر شبگرد  
«در قالب: آزادگی، احیای دین اسلام، عشق الهی و هدایت»

فاطمه آقازاده\*<sup>۱</sup> و رسول اعتباری<sup>۲</sup>

چکیده

یکی از موضوعات موثری که از آغاز شعر فارسی تا امروز توجه ادب شناسان و شعر دوستان را به خود جلب کرده است، مرثیه سرایی است که به طور عام بر شعری دلالت می‌کند که در اندوه از دست دادن عزیزی و ذکر نیکی‌های او سروده شده باشد و به طور خاص بر شعری که در مورد سوگ و شهادت حضرت امام حسین(ع) و حوادث مربوط به کربلا و امامان معصوم(عم) باشد اشاره می‌کند، و در این میان تنها تفاوت در محتوا و نوع ابراز آن و شدت و ضعف بیان تأثرات قلبی است؛ مخصوصاً در حوزه مرثیه‌های خاص که از ارادت قلبی و عشق فراوان شاعران نسبت به حضرت اباعبدالله(ع) و اهل بیت عصمت و طهارت(عم) حکایت می‌کند. حیدر شبگرد یکی از شاعران مرثیه سرایی است که در زمینه مرثیه‌های خاص مخصوصاً مرثیه‌های عاشورایی طبع آزمایی کرده و مهارت و استادی و نهایت عشق خود را به امام حسین(ع) به اثبات رسانیده است. مرثیه‌های این شاعر پراحساس که - غوغا و آشوب را در دل تمام عاشقان حضرت اباعبدالله(ع) بر پا می‌کند - از سوز دل و آتش درونش نسبت به فجایع کربلا و مصائب امام حسین(ع) حکایت دارد. استاد شبگرد در مرثیه‌هایش ضمن اشاره به حوادث کربلا، به اهداف مهم قیام عاشورا همچون: احیاء و تبلیغ دین اسلام، آزادگی و عزت طلبی و خودداری از بیعت با ذلت، مبارزه با ظلم و ستم، حمایت از حجاب و ... اشاره کرده است.

**کلید واژه‌ها:** مرثیه، عاشورا، حیدر شبگرد، آزادگی، اسلام، عشق، هدایت.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران ( نویسنده مسؤول).

fatemeh.aghazadeh39@gmail.com

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

## مقدمه

انسان‌ها همواره در گذر حادثه‌های تلخ و شیرین و رویدادهای مختلف قرار می‌گیرند. تردیدی نیست که در چنین وضعیتی که انسان ناگزیر به زندگی کردن است، همواره سروده‌هایی در سوگ و ماتم عزیزان و اظهار دروغ و زاری بر فقدان آنان را می‌توان در دفتر شاعران هر دوره مشاهده کرد. مرثیه در لغت «از مادهٔ رثا - يرثو به معنای گریستن بر مرده است.» (شرطونی، ۱۹۹۲: ۷۴/۲)

حنا الفاخوری در باب مرثیه می‌گوید: «رثاء در لغت، گریستن بر مرده همراه با ذکر محاسن و خوبی و سخن گفتن از دیگر محامد و خوبی‌های شخص یا اشخاص متوفی است و در ادب عرب به معنی گریه بر مرده و تشییع جنازه در نزد عرب بیابان نشین به کار رفته و این در حالی بوده است که خویشان و بستگان او همگی به دنبال جنازهٔ او به حرکت در می‌آمده‌اند و زنان در ماتم او نوحه و زاری می‌کرده‌اند، خاک و خاکستر بر سر می‌ریخته‌اند و گریبان چاک می‌کرده‌اند و با صدای بلند محاسن او را ذکر می‌کرده‌اند و این رثاء را با مدح و تهدید و خونخواهی در موارد احتمالی همراه می‌ساخته‌اند.» (الفاخوری، ۱۴۲۷: ۱۶۴)

اما مرثیه در ادب فارسی تعریفی کلی‌تر و شامل‌تر از عربی دارد؛ در لغت نامه دهخدا پیرامون تعریف مرثیه آمده است: «در عزای مرده گریستن و برشمردن اوصاف او، سوگواری، مرده ستایی، ذکر محامد و اوصاف مرده و ستایش او، نوحه سرایی در عزای کسی، شرح محاسن و ذکر مرده.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل لغت مرثیه)

زین‌العابدین مؤتمن در کتاب شعر و ادب فارسی، جامع‌ترین تعریف مرثیه را به دست داده است؛ او می‌گوید: «رثا و مرثیه بر اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف و تألم بر مرگ سلاطین و صدور و اعیان سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین و ائمهٔ اطهار(ع) مخصوصاً حضرت سیدالشهدا(ع) و شهدای کربلا و شمریدن مناقب و فضایل و مکارم و تجلیل از مقام منزلت شخص و متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و

تعظیم مصیبت و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است.» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۴۷)

معروف است که اولین مرثیه را حضرت ابوالبشر، آدم صفی‌الله (ع) در مرگ فرزندش هابیل سرود، و تأثر و تأسّف خود را با نوحه‌ای جانسور ابراز نموده است. نویسنده کتاب «مرثیه عشق» در این خصوص می‌نویسد: «از آن روزی که هابیل مظلومانه به شهادت رسید و حضرت آدم (ع) در غم فراق او سرود، هزاران سال می‌گذرد و این نشان می‌دهد که مرثیه سرایی قدمتی دیرینه دارد.» (شاعری، ۱۳۸۵: ۸)

### انواع مرثیه در شعر فارسی

بر اساس توصیف و ذکر محامد و محاسن شخص متوفا در مرثیه است که مرثیه را به انواع گوناگون تقسیم می‌کنند. مرگ پادشاه زمان، مرگ دوستان و آشنایان، مرگ همسر و فرزندان، مرگ شخصیت‌های مهم مذهبی، مرگ پهلوانان و قهرمانان ملی، حوادث طبیعی همچون زلزله و سیل و حمله دشمنان به وطن، همه و همه می‌تواند ذهن و تخیل شاعر را متأثر سازد و شعری که شاعر درباره هر یک بگوید، نوع مرثیه او را مشخص می‌کند.

تقسیم بندی مرثیه غالباً بر اساس محتوا و موضوع است. برخی از محققان آن را به چهار قسم تقسیم کرده‌اند: «۱- مرثیه مذهبی ۲- مرثیه درباری ۳- مرثیه شخصی ۴- مرثیه فلسفی» (مؤتمن، ۱۳۳۲: ۸۶) و برخی دیگر به گونه دیگر: «۱- مرثیه در سوگ عزیزان ۲- مرثیه در مرگ مشاهیر ۳- مرثیه مذهبی ۴- مرثیه‌های وطنی.» (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶)

### مرثیه مذهبی و تحولات آن‌ها

«رثای مذهبی تازه‌ترین موضوعی است که در ادبیات کلاسیک فارسی راه یافته است. این نوع شعر، که هنوز بیش از چند قرن از ظهور و رواج آن نمی‌گذرد، به مذهب تشیع اختصاص دارد.» (مؤتمن، ۱۳۳۲: ۹۵)

«رثای مذهبی مخصوص ذکر مناقب ائمه اطهار و شرح واقعه جانسوز کربلاست.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۲۱۶)؛ ولی این مطلب بدین معنی نیست که قبل از واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری، هیچگونه مرثیه‌ای سروده نشده است. بلکه رد پای مرثیه‌های مذهبی از قبل نیز دیده می‌شود به عنوان نمونه، حضرت علی (ع) هنگام غسل دادن و کفن کردن رسول خدا (ص)، غم و اندوه خود را در فراقش این گونه آشکار کرد و فرمود: «پدر و مادرم فدای تو باد! هر آینه و به راستی با مرگ تو اموری از قبیل امر نبوت و آگاهی‌ها و اخبار آسمانی (یعنی وحی) قطع کردید، که با مرگ کسان دیگری غیر از تو قطع نگردیده بود. (ای پیامبر خدا) تو به این امر اختصاص یافته‌ای که مصیبت به حدی عظیم است که از مرگ کسان دیگر تسلیت دهنده است. (اهل بیت و امت تو، در مقابل این مصیبت بزرگ، مصیبت‌های دیگر را کوچک می‌شمارند) و از این لحاظ، عمومیت پیدا نموده‌ای که مردم در مصیبت مرگ تو، در سوگواری مساوی و برابرند. اگر نه این بود که تو به صبر و شکیبایی امر کرده‌ای و از جزع و بی‌تابی نهی فرموده‌ای، هر آینه، سرچشمه‌های آب دیدگانمان را (از بسیاری گریه) تمام و خشک می‌گردانیدیم، و هر آینه درد درونی ما از اینکه بر طرف شود، کوتاهی می‌کرد، و غم و اندوهمان پیوسته همراهمان بود و این دو چیز در مقابل فقدان تو اندک است. اما (چه می‌توان کرد) مرگ چیزی است که برگردانیدن آن در اختیار انسان نیست و جلوگیری از آن از قدرت بشر خارج است. پدر و مادرم فدای تو باد! ما را نزد پروردگارت یاد بیاور و ذکر کن و این را در شمار کارهایی قرار ده که نسبت به آنها اهتمام داری.» (امام علی (ع)، بی‌تا، خطبه ۷۳۲/۲۲۶)

با این همه، به یقین می‌توان گفت که بیشترین مرثیه‌ها در عزای سرور و سالار شهیدان، حضرت امام حسین (ع) و شهدای کربلا سروده شده‌اند، به طوری که هر سال از نظر کمیت بر تعداد آنها افزوده می‌شود و اگر خواسته باشیم مرثیه‌های واقعه کربلا را در مکانی گردآوری کنیم، قطعاً نمایشگاه بزرگی دایر می‌گردد.

آنچه که از منابع موجود یافت می‌شود، مرثیه در رثای شهدای کربلا بلافاصله پس از واقعه جانگداز کربلا آغاز گردید، به عنوان نمونه؛ حضرت ام‌البنین (س) پس از شنیدن خبر شهادت حضرت ابوالفضل (ع) و دیگر فرزندانش آهی از دل برآورد و سرود:

«لاند عونی ویک ام‌البنین      تذکرنی بلیوث العرین  
کانت بنون لی ادعی بهم      والیوم اصحبت و لا من بنین

دیگر مرا به کنیه، ام‌البنین (مادر پسران) مگویند که مرا به روزگار، دیگری پسری نیست.»  
(افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۰۴)

#### اهداف تحقیق

- ۱- بررسی محتوای مرثیه‌های عاشورایی حیدر شبرگرد.
- ۲- بررسی تجسم بخشیدن مرثیه‌های شبرگرد به نهضت امام حسین(ع) و نشان دادن سیمای واقعی آن حضرت.
- ۳- بررسی تبیین اهداف امام حسین (ع) از قیام عاشورایی

#### پیشینه پژوهش

- در باب مرثیه سرایی و نقد و تحلیل و بررسی انواع آن تحقیقات متعددی همچون:
- ۱- افسری کرمانی، عبدالرضا، (۱۳۷۱)، نگرشی بر مرثیه سرایی در ایران، تهران: اطلاعات.
  - ۲- موتمن، زین‌العابدین، (۱۳۶۴)، شعر و ادب فارسی، تهران: انتشارات بنگاه مطبوعاتی افشاری.
  - ۳- اسلامی، علی، (۱۳۸۶)، نقد و تحلیل مرثیه در ادوار شعر فارسی، مجله دیدار آشنا شماره ۸۸.
  - ۴- احمدی بیرجندی، احمد، (۱۳۷۸)، اشک خون، تهران: انتشارات اسوه.
  - ۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳)، سیری در شعر فارسی، تهران: انتشارات نوین.
- و ... به رشته تحریر درآمده است؛ اما اثر مستقلی که به بررسی محتوایی مرثیه‌های عاشورایی حیدر شبرگرد پردازد، به رشته تألیف در نیامده است.

## معرفی استاد خوندل تبریزی

«جناب آقای حاج حیدر شبرگرد متخلص به خوندل در سال ۱۳۰۴ شمسی در محله اهراب دیده به جهان گشود در اوایل جوانی که در یک مغازه کفّاشی کار می‌کرد با یکی از چرم‌فروشان محله لیل آباد که هم‌سن بودند آشنا شد و این آشنائی باعث ورود او به مجالس عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) گردید و با مجالس انس گرفت. لازم به یادآوری است که تا سال‌های اخیر عده زیادی از چرم‌فروشان در محله لیل آباد زندگی می‌کردند که استخوان‌بندی هیئت‌های حسینی همان محله را تشکیل می‌دادند. وی دوران تحصیلات خود را در مکتب خانه‌های قدیمی گذرانده و در کنار تحصیل به کار نیز می‌پرداخت. آقای شبرگرد از ۱۲ سالگی شاعری را شروع کرده و با مطالعه کتاب‌های متعدد و مقاتل معتبر توانست خود را در ردیف شعرای نامی آذربایجان قرار دهد. از آنجائی که دارای سبک ویژه و اشعار شیرین و نغز بود، در اندک مدتی معروف و شهره خاص و عام گردید، بعدها به محله لیل آباد (خیابان طائب، کوچه صفوی) نقل مکان نمود و هیئت‌های زنجیرزنان و سینه‌زنان عجم محله لیل آباد در ایام سوگواری سروده‌های آقای خوندل را در بازار تبریز با سبک و آهنگ ویژه مورد استفاده قرار می‌دادند و در هیئت حسینیّه (سعدی زمان) که به منزله انجمن ادبی بود، دائماً شرکت می‌نمود و سروده‌هایش در قالب یک جلد دیوان مراثی انتشار یافته و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.» (زادصادق ثمرین، ۱۳۸۱: به تلخیص از صص ۵-۳۳۴)

## بحث و بررسی

## ۱- احیای آزادگی و عزّت

آزادگی و عزّت و سربلندی از صفات انسان‌های بزرگ، با شخصیت و آزاده است و خواری از رذایل اخلاقی و صفات ناپسند انسانی به شمار می‌آید.

تعالیم اسلام همگی در جهت عزّت بخشیدن به انسان و رها ساختن او از دل بستن به اموری است که با مقام شامخ انسانیت سازگار نیست. اسلام انسان را از عبادت، خشوع و هرگونه سرسپردگی به معبودهای دروغین که با عزّت انسان سازگار نیست، رهانیده است و از او می‌خواهد

جز در مقابل خدا در برابر هیچ کس سرتسلیم فرود نیاورد و فقط خداوند در نظر او بزرگ و با عظمت باشد.

امیرمؤمنان (ع) عزت و آزادگی واقعی را تواضع و فروتنی در برابر حق و عدالت می‌نگرد: «الْعِزُّ أَنْ تَذَلَ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۶/۲۹۰) امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ؛ شرف انسان در شب زنده داری اوست و کرامت و آزادگی اش در عدالت و دست نگاه داشتن از آزار مردم و رعایت حقوق آنان.» (همان)

تردید نیست که آزادی یکی از اصول بنیادین در حماسه حسینی و قیام عاشورا است. این دو مفهوم در فرهنگ مسلمانان، به ویژه در معارف شیعی، تا آنجا پیشرفته است که می‌توان گفت: اگر چه از امام حسین (ع) در کتاب‌های تاریخی و متون روایی، بیشتر با کنیه پیراوازه «ابوعبدالله» نام برده شده است؛ اما در متون ادبی و قصاید حماسی و نیز در لسان شاعران شیعی بیشتر با کنیه «ابوالاحرار» و «سرور آزادگان» شناخته شده است و مسلماً با ورق زدن صفحه‌های کتاب عاشورا بهتر می‌توان جلوه‌های آزادگی آن حضرت و یاران آزاده‌اش را مشاهده کرد.

#### شواهد شعری

- امام حسین (ع) (تسلیم ناپذیر در برابر ذلت)

بیزیم قاموسیمیزدن محو اولوبدور واژه ذلت      شهامت وار، رسالت وار، نثار نثار وار زینب  
(خوندل تبریزی، ۱۳۷۹: ۱/۲۸۹)

- اهل بیت پیغمبر (ص) (مظهر عزت و آزادگی)

با شهادت نشکسته است ز ما شاخ امید      مرگ از عزت و آزادگی آورده نوید  
(همان، ۱۳۷۹: ۱/۳۱۰)

۲) احیای دین اسلام و پاسداری از ارزش‌های آن

#### \* عاشورا و حفاظت از دین

پس از این که پیامبر اسلام (ص) بعد از برانگیخته شدن با روش‌های مختلف از جمله: بیم‌دادن و مبارزه و دفاع و یاد دادن تعالیم اسلامی و آموزش‌های وسیع و از پیش تعیین شده،

ارکان دین را پایه‌گذاری کرد و با خون شهیدان در جنگ‌های مختلف نظیر: احد و خندق و بدر و .. نهال اسلام را سیراب کرد، نوبت به حضرت علی(ع) رسید.

آن حضرت نیز با بیست و پنج سال خانه‌نشینی و عمل به وصایای رسول اکرم(ص) که قبلاً ذکر شد، و با هوشیاری و نظارت مداوم، اساس دین را تداوم بخشید. بعد از حضرت علی(ع) نوبت سبط اکبر رسول خدا(ص)، حضرت امام حسن مجتبی(ع) بود، آن حضرت نیز با پذیرش پیمان صلح و حفظ یاران کارآمد و گسترش صحیح دین و قوام بخشیدن به نگاهبانان حوزه تفکر، مانع حمله کردن دشمنان جهانی از بیرون و تسلط جامع معاویه و حاکمان بنی‌امیه از داخل گردید.

حال نوبت حضرت ابا عبدالله(ع) بود. آن حضرت نیز در ایامی به سر می‌بردند که:

- ارزش‌های جاهلی رونق یافته بود.
- آداب و رسوم جاهلیت به نام اسلام بر مردم تحمیل می‌شد و کسی از اسلام دفاع نمی‌کرد.
- قلمرو وسیع اسلام در حال فروپاشی بود.
- کسی از دیدن خشک شدن شجره طیبه اسلام ناراحت نمی‌شد و فکرش مغشوش نمی‌گشت.

در این شرایط ذکر شده، اگر دین و اسلام حمایت می‌شد، مسلماً مردم هم حمایت می‌شدند و ارزش‌های اسلامی تداوم می‌یافت و حامیان حقیقی دین نیز به اهداف راستین خود، که همانا نگاهبانی بر سر قلعه استوار دین اسلام و ریشه‌کن کردن شیوه‌های شیطانی روییده در دین بود، می‌رسیدند و در غیر این صورت دین ضربه می‌خورد و تمام تلاش‌های انجام شده از زمان رسول خدا(ص) تا حال که زمان حضرت سیدالشهدا(ع) بود، بی‌ثمر می‌ماند.

«امام حسین(علیه السلام) نخست با این جمله: وَ عَلَى الْإِسْلَامِ أَلْسَلَامٌ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ؛ زمانی که امت اسلامی گرفتار زمامداری مثل یزید شود، باید فاتحه اسلام را خواند تصریح کرد که با وجود خلیفه ای همچون یزید، فاتحه اسلام خوانده است و دیگر امیدی به بقای دین خدا در حکومت یزید نمی‌رود.» (سید بن طاووس، ۱۳۸۰: ۹۹)

امام حسین(ع) آنگاه که در مسیر کربلا با «فرزدق» ملاقات می‌کند، به روشنی از بدعت‌ها و خلاف‌کاری‌های حاکمان شام و قیام برای نصرت دین خدا سخن می‌گوید: «يَا فَرَزْدَقُ! إِنَّ هَوْلَاءِ



قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكَوْا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ، وَ أَبْطَلُوا الْخُدُودَ، وَ شَرَبُوا الْخُمُورَ، وَ اسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ، وَ أَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَ إِعْزَازِ شَرْعِهِ، وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ، لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛ ای فرزددق! اینان گروهی اند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و حدود الهی را از بین بردند، باده‌ها نوشیدند و دارایی‌های فقیران و بیچارگان را ویژه خود ساختند و من از هر کس به یاری دین خدا و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم، تا آیین خدا پیروز و برتر باشد». (ابن جوزی، ۱۳۷۹: ۲۱۸-۲۱۷)

#### شواهد شعری

- امام حسین <ع> (احیاگر دین)

قتلگاه عشقده شاه حجاز      قصد ایدوب بیر ایلسون راز و نیاز  
عرض ایدوب ای کردگار چاره ساز      بو بلالر دینمون احیاسیدی!  
(خوندل تبریزی، ۱۳۷۹: ۱/۲۹۹)

معنی: - شاه حجاز در قتلگاه عشق قصد راز و نیاز با خدا را کرده است.

- شاه حجاز فرمود که ای کردگار چاره ساز! این بلاها جهت احیاء دین من است.

- امام حسین <ع> (قربانی راه دین)

دین یولندا من اگر لب تشنه قربان اولماسام      جاندا نه قیمت شهید راه جانان اولماسام  
وقایه دور بدنیم جدیمون شریعتینه      منای عشقیده دینون فداسیم راهب!  
(همان، ۱۳۷۹: ۱/۱۵۹)  
(همان: ۳۵۱)

معنی: - اگر من در راه دین لب تشنه شهید نشوم، دیگر جان چه ارزشی خواهد داشت.

- ای راهب! جسم من حافظ شریعت جد من است و در منای عشق قربانی دین من هستم.

- حضرت عباس (ع) (هوادر دین)

گرک گیدم او بیابان گرم و سوزاندا شهید اولام که اولام دینمون هواداری  
(همان: ۲۵۸/۱)

معنی: - من باید بروم و در آن بیابان گرم و سوزان شهید شوم تا کمه هوادر دین شوم.

- حضرت علی اصغر (ع) (قربانی راه دین)

ای علی! ای دین حقین تشنه لب قربانی لای لای آغلاما یات من بو آغلار گوزلرون قربانی لای لای  
(همان: ۲۶۴)

معنی: - ای علی اصغر! ای که تشنه لب در راه دین حق قربانی شدی، گریه نکن و بخواب، الهی که من قربان چشم‌های گریان تو شوم.

- حضرت علی اکبر (ع) (فدایی در راه دین)

بگذر از من تا شوم در راه دین آغشته بر خون لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تَنْفُقُوا مِمَّا تَحَبُّونَ  
(همان: ۱۹۰)

### ۳- بررسی محتوایی مرثیه‌های عاشورایی حیدر شبرگرد در قالب پایبندی به عشق الهی

از ویژگی‌های قرآن آن است که کتاب هدایت است و هر چیزی را از این منظر تحلیل می‌کند. در این راستا حتی در بیان مسایل عقلانی به تحلیل عقلی بسنده نمی‌کند و همواره عقل و دل را در کنار هم قرار می‌دهد؛ زیرا ایمان از عناصر شناختی و احساسی بهره می‌برد و تحقق ایمان تنها به شناخت یا احساس نیست، بلکه زمانی ایمان در شخص تحقق می‌یابد که شناخت و عاطفه در کنار هم قرار گیرند. از این رو خداوند در آیه ۱۴ سوره نمل می‌فرماید: « وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ؛ با آنکه خودشان به آن قطع و یقین داشتند، انکار کردند؛ زیرا این قطع و یقین تنها شناخت بدون همراهی احساس و عاطفه بود و دل با عقل همراه نیست.

از نظر قرآن، آنچه ساری در هستی است، محبت و عشق الهی است و همه موجودات نسبت به این عشق و محبت الهی شناخت داشته و بدین سبب به خداوندشان گرایش طبیعی و ذاتی دارند.

خداوند بر این اساس در آیه ۳۱ سوره آل عمران، از اطاعت و پیروی محبتی و عشقی به پیامبر (ص) سخن به میان می آورد و می فرماید: « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ؛ اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا محبوب خداوند شوید.» (آل عمران/۳۱)

### ۳-۱ نمونه هایی از تجلی عشق عاشورایی

در حادثه کربلا حداقل دو جنبه روشن وجود دارد:

#### الف) جنبه توحیدی و عرفانی

که در همه فراز و نشیب‌ها، مصائب و متاعب، چه از سوی امام حسین (ع) و چه از سوی اهل بیتش (عم) یا اصحابش متجلی بود؛ به خصوص که امام حسین (ع) در اولین خطبه‌اش فرمود: «رَضِيَ اللَّهُ وَاللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ رضای خدا، رضای ما اهل بیت است» (سید بن طاووس، ۱۳۸۰: ۶۱) که به تعبیر استاد مطهری - رحمه الله - «جنبه پاک باختگی در راه خدا و ماسوای خدا را هیچ انگاشتن است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۷/۳۸۳) یا این که امام حسین (ع) در لحظه شهادت فرمود: «رِضًا بِقَضَائِكَ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ، لِمَعْبُودِ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ؛ خدایا راضی به قضا و سرنوشتی‌ام که برایم رقم زدی، و معبودی جز تو نیست، ای فریادرس فریادخواهان!» (مقرم، ۱۴۱۱ق: ۳۷۵۴)

این سخن، توحید علمی و عملی را به نمایش می گذارد و تأیید و تأکیدی بر این آیات نورانی سوره فجر است: (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَأَدْخُلِي جَنَّتِي؛ تو ای نفس و روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، در آی و در بهشتم وارد شو.) (فجر/۳۰-۲۷)

#### ب) جنبه حماسی و قیام در مقابل دستگاه جبار حاکم:

امام با درک شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر خویش به خوبی دریافته بود که جامعه اسلامی چگونه به تدریج استحاله شده و به سوی مرگ تدریجی دین، ارزش‌های دینی و اسلامی حرکت می کند و باید برای احیای اسلام اصیل و اصلاح جامعه نبوی قیامی خونین و حماسه‌ای

جاودانه را خلق کرد؛ یعنی بر اساس عقل و درایت و در عین حال عشق و عرفان، این نهضت را آفرید و حماسه سازانه فرمود: «لا والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افرُّ فرار العبید؛ من هرگز دست ذلت به شما نمی دهم و مانند بردگان فرار نمی کنم» (شیخ مفید، ۱۳۸۰: ۲۳۵)؛ «هیئات من الذلّه» (سید بن طاووس، ۱۳۸۴: ۴۱) و فرمود: «الموت اولی من رکوب العار؛ مردن، از آلودگی به عار و ننگ بهتر است». (همان: ۵۰)

### ۳ ۴ کربلا، تجلی گاه عشق و محبت

کربلا مدرسه عشق بود و امام حسین (ع) آموزگار عشق، و اصحاب و یاران آن حضرت شاگردان مشهد عشق بودند که درس عشق را همراه با حماسه به سالکان مشرب عشق و محبت آموختند.

نخستین آموزگاری که عشق را در مدرسه عالم آفرینش تفسیر کرد و راه و رسم عاشقی را به عالمان و عاقلان آموخت، کسی جز حسین بن علی - علیهما السلام - نبود. او رازهای شگرف و ژرف و شگفت را در کربلا و در روز عاشورا معنا کرد و پرده از راز عشق برداشت.

چیزی که امام حسین (ع) را وادار کرد در روز عاشورا از همه چیز بگذرد، اسیرالکربات گردد و هر مصیبت و اندوهی را تحمل کند، فقط عشق به خدای متعال بود و این عشق چیزی نبود که ناگهان در حادثه کربلا پیدا شده باشد، بلکه در تمام دوران حیات آن حضرت این عشق وجود داشت و حادثه عاشورا در حقیقت ثمره و محصول این عشق و ارادت بود. مناجات‌هایی که از آن حضرت در دسترس ما وجود دارد، مخصوصاً دعای عرفه، گویای این عشق و ارادت و نفوذ آن در اعماق وجود آن حضرت است.

در نهایت باید گفت که کربلا ظهور عشق ربّانی و عاشورا تبلور عشق رحمانی است که با عقل عجین بوده است. در عشق عاشورایی با الغای جنسیت مواجه هستیم؛ چه این که امام عشق - حضرت حسین بن علی (ع) - و مأموم عشق - حضرت زینب کبری (س) - است و رابطه عاشق و معشوق، امام و مأموم، مراد و مرید در این عشق ناب، معنا و مبنای خاصی یافته و در حقیقت بایسته است گفته شود که کربلا آئینه عشق است و هرکس خواهان نگاه به عشق خویش است و طالب تأویل عشق خود، به این آئینه بنگرد تا راستی یا ناراستی عشق خود را دریابد و به اصلاح یا

احیای عشق فطری و الهی خویش بپردازد. عشق عاشورایی است که عرفان نظری و عملی یا تعلیمی و تربیتی را تفسیر کرده و در معرض دیده ظاهر و باطن نهاده است؛ پس بر ماست که با عشق عاشورایی زندگی کرده و حیات طیبه را تحصیل کنیم.

#### شواهد شعری

- امام حسین (ع) (حاجی منای عشق)

حجی ناقص حسرتیله آریلوب الله ایوبندن      انتخاب ایتدی منای عشقه بو صحرانی یارب!  
(خوندل تبریزی، ۱۳۹۱: ۲۲۶/۲)

معنی: - امام حسین (ع) در حالی که حج خود را ناتمام گذاشته، از خانه خدا جدا شده است، و این صحرای کربلا را بر منای عشق ترجیح داده است.

- امام حسین (ع) (راهنمای اهل عشق)

سن او شه سن، اکبرون لیلانی مجنون ایلوب      سن او شه سن، اهل عشقه عشقون اولموش رهنما  
(همان، ۱۳۷۹: ۱۴۲/۱)

بو کاروان که دالیمجا گلور قدم به قدم      طریق عشقده من رهنماسیم راهب!  
(همان: ۳۵۲)

معنی: - تو آن شاهی هستی که علی اکبر تو لیلا را مجنون کرده است و تو آن شاهی هستی که رهنمای اهل عشق شده‌ای.

- ای راهب! من در طریق عشق راهنمای این کاروانی هستم که پشت سر مت گام به گام حرکت می‌کند.

- حضرت زینب (س) (مالک مملکت عشق)

هر کس که اهل عشقده مملوک دور منه      تنها منم که مملکت عشقه مالکم  
(همان: ۳۶۴)

معنی: - هر کس که اهل عشق است، مملوک من است و این تنها من هستم که مالک مملکت عشق هستم.

- حضرت عباس (ع) (الگوی عشق)

بو امیده گوزلورم یول آند اولا اللّهمه بیرگلوب گورسون دیسون بو عشقه احسن قارداشیم  
(همان، ۱۳۹۱: ۱۴۶/۲)

معنی: - سوگند به خدا من به این امید چشم به راه تو هستم که بیایی و این عشق را ببینی و آهرین بگویی.

#### ۴- مرثیه‌های عاشورایی در قالب هدایت و نجات امت

امام حسین علیه‌السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است؛ یعنی در تاریکی فتنه‌ها و سختی‌های روزگار و ظلمت‌های دام‌های شیطانی، حسین (ع) چراغ هدایت و راهنمای انسان به سوی نور و روشنایی است که باید پشت سر آن حرکت کرد تا به سرمنزل مقصود رهنمون شد. جلو افتادن از چراغ هدایت و عقب ماندن از آن باعث هلاکت است.

رسول خدا - صَلَّى اللهُ وَ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ - می‌فرمایند: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ؛ مثال ما اهل بیت همچون کشتی حضرت نوح است که هر کس سوار آن شد نجات یافت، و هر کس از آن سرپیچی کند، هلاک شود.» (علاّمه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۴/۲۳)

چنانکه کشتی حضرت نوح مایه نجات بشریت شد، هرکسی که بخواهد از غرق شدن در دریای متلاطم دنیا و آلودگی‌هایش نجات پیدا کند، باید سوار کشتی نجات امام حسین (ع) شود. هر کس سوار بر این کشتی نشود، در امواج دریای متلاطم حوادث و ناملازمات روزگار غرق خواهد شد.

روایت شده که امام حسین (ع) فرمود: «خدمت رسول خدا (ص) شرفیاب شدم در حالی که ابی بن کعب هم آن جا بود. حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: مرحبا به تو ای ابا عبدالله! ای زینت آسمان‌ها و زمین! ابی کعب گفت: چگونه او زینت آسمان‌ها و زمین است در صورتی که کسی غیر از تو چنین نیست؟ حضرت فرمود: ای ابی کعب! قسم به کسی که مرا به حق به نبوت مبعوث کرد، حسین بن علی (ع) در آسمان بزرگ‌تر از روی زمین است، و همانا بر طرف راست عرش الهی نوشته شده است که او چراغ هدایت و کشتی نجات است.» (همان: ۱۵۵)

بر این اساس، جا دارد که پرسیده شود چرا از بین ائمه هدی - عم - تنها امام حسین (ع) از

این لقب برخوردار شدند؟

با توجه به دو مثال می‌توان مطلب گفته شده را توضیح داد:

**مثال اول:** از بین ائمه (ع) تنها امام پنجم (ع) به شکافنده علم (باقر) ملقب است، با این که همه امامان معصوم از علم لدنی برخوردار بودند و این نیست، مگر اینکه در زمان و شرایطی که امام پنجم (ع) زندگی می‌کرد، از سویی نحله‌ها و افکار جدیدی، بروز کرده و از سویی دیگر، دولت بنی‌امیه به ضعف گراییده بود. در این فضا و بستر فراهم شده، ضروری بود که اصول مکتب تشیع تبیین شود.

**مثال دوم:** از بین امامان معصوم تنها امام علی (ع) و امام حسین (ع) از لقب ثارالله (خون خدا یا کسی که ولی دم او خدا است) برخوردارند با اینکه همه آنان به مرگ طبیعی از دنیا نرفته‌اند و شهادت در راه خدا نصیب آنان شده است. دلیل این امر آن است که از بین امامان تنها خون آن دو امام بر زمین ریخته شد و در آن شرایط، این نحوه از شهادت، بیشترین نقش و تأثیر را در حیات بخشی به اسلام داشته است.

در پاسخ باید گفت: اگرچه ائمه (عم) نور واحد هستند و همگی چراغ هدایت به حساب می‌آیند؛ اما شرایط زمانه باعث می‌گردید تا جنبه‌ای از شخصیت آنان تجلی پیدا کند و به فعلیت برسد و در نتیجه مظهر یک اسم از اسمای الهی گردند.

### شواهد شعری

- امام حسین (ع) (رکن هدایت)

سبز هدایتی رُکنینی ایتدوز جفائیله خراب سبز عزیزان جهانی ایلدوز ظلمیله خوار

(خوندل تبریزی، ۱۳۹۱: ۳۱۰/۲)

معنی: - شما با ظلم و ستم رکن هدایت را نابود کردید و شما عزیزترین افراد دنیا را با ظلم خوار کردید.

- حضرت عباس (ع) (مفهوم هدایت)

سن ای مصداق عرفان و امانت! سن ای مفهوم ارشاد و هدایت!

(همان، ۱۳۷۹: ۲۴۶/۱)

معنی: - تو ای مصداق عرفان و امانت! و تو ای مفهوم ارشاد و هدایت!

## نتیجه‌گیری

مرثیه رهاورد تجربه عاطفی شاعر است که در آن سوگ و سوزهای درونی خویش را در غم فراق ابدی عزیزان خود به نمایش می‌گذارد. در این شکل خاص از شعر، عنصر عاطفه، تخیل و احساس بر جنبه عقل و منطق غلبه پیدا می‌کند و از عاطفه‌ای صادق و راستین سرچشمه می‌گیرد. مرثیه‌های حیدر شبرگرد که در سوگ اهل بیت (عم) و حضرت امام حسین (ع) و یاران آن حضرت سروده شده است، تصویرگر اوج عاطفه و قلّه احساس، عشق راستین این مرثیه سرای نازک دل است. رقیق‌ترین و لطیف‌ترین و عاشقانه‌ترین احساسات شبرگرد را می‌توان در رثای حضرت اباعبدالله (ع) و یاران وفادار آن حضرت سراغ گرفت.

در بررسی محتوایی مرثیه‌های عاشورایی حیدر شبرگرد به این نتیجه رسیدیم که قیام امام حسین (ع) و یاران آن حضرت در جهت محقق ساختن اهداف اساسی قیام خونین کربلا همچون: احیای اسلام، آزادی خواهی و عزت طلبی، عشق به خدا داشتن، هدایت کردن به سوی خدا و ... بود که توانستند در سایه عمل به آن اهداف پیامشان را به گوش جهانیان برسانند.



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امام علی (ع)، (بی تا)، *نهج البلاغه*، به قلم و ترجمه و شرح حاج سید علی نقی فیض الاسلام.
- ۳- ابن جوزی، سبط، (۱۳۷۹)، *تذکره الخواص من الامة فی ذکر خصائص الائمة*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۴- افسری کرمانی، عبدالرضا، (۱۳۷۱)، *نگرشی بر مرثیه سرایی در ایران*، تهران: اطلاعات.
- ۵- الافریقی المصری، ابن منظور محمد بن مکرم، (۱۳۷۵ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الصادر.
- ۶- الفاخوری، حنا، (۱۴۲۷ق)، *الجامع فی التاریخ الادب العربی*، بیروت: ذوی القربی.
- ۷- توشی هیکو، ایزوتسو، (۱۳۷۴)، *خدا و انسان در قرآن*، مترجم؛ احمد آرام، تهران: نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۸- دشتی، محمد، (۱۳۷۶)، *انگیزه های قیام عاشورا*، قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۰- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۷۲)، *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید.
- ۱۱- زاد صادق ثمرین، مجتبی، (۱۳۸۱)، *گنجینه گذشتگان*، تبریز: احرار.
- ۱۲- سید بن طاووس، (۱۳۸۴)، *الملهوف (اللهوف)*، چاپ سوّم، قم: دارالاسوه.
- ۱۳- شاعری، محمدحسین، (۱۳۸۵)، *مرثیه عشق (مقدمه ای بر مرثیه سرایی و نوحه های جدید در عزای شهیدان کربلا و اهل بیت (عم))*، قم، میراث ماندگار.
- ۱۴- شبگرد تبریزی (خوندل)، حاج حیدر، (۱۳۷۹)، *دیوان خوندل*، جلد اول، تبریز: منشور.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۱)، *دیوان خوندل*، جلد دوّم، تبریز: ندای شمس.
- ۱۶- شرطونی، سعید، (۱۹۹۲م)، *اقرب الموارد*، بیروت: دار الکتب الیومیّه.

- ۱۷- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (معروف به ابن المعلم)، (۱۳۸۰)، *الارشاد*، چاپ اول، تهران، اسلامیه.
- ۱۸- طباطبایی، محمد، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۱۹- طبرسی، ابوعلی، (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- ۲۰- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران: مرتضوی.
- ۲۱- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، *میزان الحکمه*، مترجم حمی رضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- ۲۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- ۲۳- مقرّم، عبدالرزاق، (۱۴۱۱ق)، *مقتل الحسین*، چاپ دوّم، قم: منشورات دارالتّحافه و النّشر.
- ۲۴- معین، محمد، (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی معین*، چاپخانه سپهر، تهران.
- ۲۵- مومن، زین العابدین، (۱۳۶۴)، *شعر و ادب فارسی*، تهران: انتشارات بنگاه مطبوعاتی افشاری.